

نگاهی به

فرهنگ توصیفات امام خمینی (س) در شعر شاعران معاصر

زین العابدین در گاهی*



* فرهنگ توصیفات امام خمینی (س)

در شعر شاعران معاصر

* پرویز بیگی حبیب‌آبادی

* انتشارات عروج، چاپ اول ۱۳۸۷

تو مشرق تمام جهانی
و پرده‌ای میان تو و آفتاب نیست
و حرکت تو حرکت روز است
آزاد و پرتوان

(طاهره صفارزاده)

آمدی
مانند آفتاب که می‌آید
با هودجی از سخاوت و مهربانی
با دستانی بهارآور آمدی
ای گل همیشه بهار
ای عطر نفس‌های پیروزی
فرش راحت گل‌های اشتیاقی بود که از دیده فشانیم

(علیرضا قزوه)

بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ش) یکی از بنیادی‌ترین تحولاتی است که موجب دگرگونی بسیار در معادلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار ما شده است. انقلابی که به باور بیشتر محققان دو محور اصلی شکل‌گیری آن رهبری و حضور مردمی است.

انقلاب اسلامی باعث دگرگونی صورت و معنای زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان شده است. موج انقلاب با الگوپذیری از اسلام و رهبری امام همه شئون زندگی مردم را درنوردید. وجه جمالی این موج در آثار هنری هنرمندان این مرز و بوم تماشایی است. ادبیات به‌ویژه شعر که یکی از امتیازات ملت ما در جهان است، بستر مناسبی برای نمودن این زیبایی‌ها است.

شاعران روزگار ما درحوزه انقلاب اسلامی آثار ماندگاری را برجای نهاده‌اند؛ چه آنانی که پیش از انقلاب شعر سروده و به شاعری شهرت داشتند، چه آنانی که در متن و بطن انقلاب بالیده، همراه و همگام انقلاب بودند. اگر بنا شود روزی تمام سروده‌های مربوط به انقلاب در مجموعه‌ای گردآوری شود، کتابی عظیم خواهد شد.

کتاب «فرهنگ توصیفات امام خمینی (ره) در شعر شاعران معاصر» به همت بیگی حبیب‌آبادی یکی از آثار مربوط به این حوزه ادبی است که به صورت فرهنگ‌نامه‌ای، توصیف‌های شاعران را درباره رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) گردآوری کرده است. در این اثر مؤلف کوشیده توصیفی را که شاعران از امام داشته‌اند، همراه با بیت‌ها نشان دهد؛ مثلاً اگر شاعری در وصف امام پس از ارتحالش سروده است:

دلیل بقای مرا ای دریغ

به آرامگاه بقا می‌برند (کاووس حسن‌لی)

مؤلف ذیل «دلیل بقا» به عنوان یک توصیف از امام این بیت را آورده است.

این اثر در حجم ۶۰۵ + ۲۰ صفحه‌ای تنظیم شده است. اگر در متن اثر (حدود ۵۷۷ صفحه متن اصلی) به‌طور متوسط ۷ مدخل داشته باشیم، بیش از ۴۰۰۰ مدخل خواهد شد. به عبارت دیگر بیش از ۴۰۰۰ توصیف از امام خمینی (ره) در این کتاب آمده است. مؤلف در مقدمه ۲۰ صفحه‌ای به چند مطلب پرداخته است. (گر چه این مطلب چند سال پیش‌تر در یکی از مجله‌ها منتشر شده است):

- بررسی سیمای امام در ادبیات معاصر از جنبه‌های حماسی، غنایی و تمثیلی. پس از توضیح هر یک از این جنبه‌ها نمونه‌هایی

را همراه با تحلیل کوتاه آورده است. در بحث جنبه‌های غنایی موارد را با عنوان‌های فرعی مانند مغالزه‌ها، بیان غربت و اندوه، جلوه‌های جمالی و جلوه‌های مردمی و ... همراه با نمونه‌ها ذکر کرده است.

- در قسمتی دیگر با عنوان «تجلی شخصیت جهان‌شمول امام در شعر انقلاب» به شعر شاعران ایرانی و غیرایرانی پرداخته که در وصف چهره جهانی امام سروده‌هایی را ارائه کرده‌اند: سروده‌هایی از نزار قبانی (شاعر لبنانی)، عبدالله عثمان (شاعر آفریقای جنوبی) و

- «تجسم جلوه‌های امام از منظر باورهای دینی» عنوان دیگری است که نگاه شاعران نسبت به امام به عنوان تداوم‌بخش راه انبیا الهی (ع) و ائمه معصومین (ع) مطرح شده است.

- عناوین دیگر مانند امام و اندیشه‌های عاشورایی، امام و بارور شدن اصطلاحات اهل عرفان و شعر، زمان تداوم امام و شعر، شعر و جلوه‌های جمالی امام، امام و منظرهای تعلیمی از دیگر مباحثی است که بدان‌ها اشاره شده است.

پس از این مقدمه، مؤلف جلوه‌های امام را در شعر معاصر به صورت گسترده می‌داند و می‌نویسد: «جلوه‌های امام در شعر شاعران، طیف بسیار وسیع و گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. تعابیر فراوان و مختلف، اشارات، ترکیبات، تشبیهات و استعارات و ... تا بدان حد است که می‌توان فرهنگ ویژه‌ای از همه این ذهنیت‌ها و کندوکاوهای شاعرانه ارائه داد.» (مقدمه، ص ۶) این توصیفات محدوده زمانی خاصی از زمان ورود امام به ایران (۱۲ بهمن ۱۳۵۷) تا دو سال پس از رحلت آن حضرت (سال ۱۳۷۰) را در برمی‌گیرد.

مؤلف برای راهنمایی یادآور شده که توصیفات این فرهنگ در چهار حوزه اخلاق، معنوی، طبیعت و حماسه تقسیم و به صورت الفبایی در هر حوزه درج شده است. ذیل هر مدخل (توصیف) موضوع آن وصف و آرایه‌های ادبی و نکات دستوری را اشاره کرده‌اند. در پایان کتاب هم نمایه نام ۵۷۲ شاعر (که شعر آنها به عنوان نمونه استفاده شد) به صورت الفبایی درج شده است.

تلاش مؤلف در تدوین این فرهنگ قابل تقدیر است، چنان‌که در انتخاب کتاب فصل به عنوان یکی از آثار برگزیده معرفی شده است. ضمن سپاس از مؤلف محترم که خود یکی از شاعران و پژوهشگران حوزه ادبی مؤثر می‌باشد، چند نکته قابل ذکر است:

۱. معلوم نیست چرا مؤلف محترم توصیفات شاعران را در چهار حوزه طبقه‌بندی کرده است؟ و مبنای این کار چیست؟ و

دارد؟

۴. ذیل هر مدخل پس از ذکر موضوع، صنایع ادبی و گاه نکات دستوری آمده است. گر چه ذکر این نکات خالی از لطف نیست، اما در یک فرهنگ تا چه حد ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر آنکه تکرار بسیار زیاد «کنایه بدل از موصوف (اسم)»، «وجه شبه (جامع)» و ... چه ضرورتی دارد؟ اگر این موارد دست‌کم گرفتن مخاطبان نیست چه توجیهی دارد جز روشمند نبودن تدوین فرهنگ و یا عدم دقت کافی؟

۵. ذیل برخی مدخل‌ها به جای ذکر موضوع و صنایع ادبی آمده است: «ر. ک به فیش قبلی». در هر فرهنگی برای پرهیز از تکرار مطلب چنین روشی پسندیده است؛ اما چرا واژه «فیش»؟ به علاوه گاهی تکرار «ر. ک به فیش قبلی» بسیار آزاردهنده است، کافی است مدخل «روح ایمان» (ص ۳۲۵) تا مدخل «روح یزدان» (ص ۳۳۹) را بنگرید، ذیل ۱۰۶ و ص ۱۰۶ عبارت تکرار شده است.

گاهی یک مدخل (توصیف) که در سروده چند شاعر آمده، تکرار شده است. مدخل «ساقی» ۷ بار (ص ۳۰۵)، بدون احتساب با ترکیب‌های دیگر مانند ساقی باده والا و ... و مدخل «آینه» ۴ بار (ص ۴۷۱) بدون ترکیب‌های آن و مدخل «آفتاب» ۲۸ بار (ص ۴۷۶-۴۷۲) و

۶. بدیهی می‌نمود در چنین فرهنگ ارزشمندی علاوه بر نمایه نام شاعران (که برای پژوهشگران بسیار مفید است) چرا نمایه موضوعی و ... و منابع و مجموعه‌های استفاده شده ذکر می‌شد. علاوه بر اینکه مؤلف محترم به نظر در شتابی که برای تدوین این اثر داشته، به بسیاری از مجموعه سروده شاعران نظر نینداخته است. به عنوان نمونه مجموعه سروده‌های مرحوم سلمان هراتی که به آسانی قابل دسترسی است، مؤلف محترم از آن سود نجسته است و از دو سه مجموعه دیگر که نمونه‌هایی از سروده‌های سلمان هراتی در آن درج شده (مانند سوکنامه و ...) استفاده کرده است.

امید آنکه در چاپ‌های بعدی این اثر برخی از کاستی‌ها برطرف گردد. با این‌همه این کتاب آن قدر ارزش دارد که با همه کاستی‌های آن می‌تواند از بهترین آثار منتشر شده در این حوزه باشد.

پی نوشت:

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

چرا حدود هر حوزه مشخص نشد؟ پس از خواندن مقدمه کتاب و توضیحات مؤلف، گمان می‌رفت که طبقه‌بندی توصیفات بر مبنای آن مباحث باشد که چنین نبود. بسیار طبیعی می‌نمود که مؤلف محترم بر مبنایی که توصیفات را در چهار حوزه طبقه‌بندی کردند، مقصود خود را از هر حوزه بیان می‌کردند. عدم توضیح باعث ابهام در عنوان‌های هر حوزه و مدخل‌های موجود ذیل آن شده است؛ در حالی که در فرهنگ‌ها این ابهام‌ها یا وجود ندارد و یا بسیار کم است.

۲. مؤلف محترم اشاره کرده‌اند که برخی از توصیفات حوزه‌های مشترکی قرار دارند و سعی شده است که توصیفات مذکور در حوزه‌ای نزدیک به همان حوزه قرار گیرد؛ اما معلوم نیست چگونه این توصیفات طبقه‌بندی شده‌اند. به عنوان نمونه مدخل «آموزگار» در حوزه اخلاق قرار گرفته است: آموزگار، آموزگار اصالت، آموزگار شهادت، آموزگار گلشن مهر و وفا؛ اما معلوم نیست بر چه مبنایی مدخل «آموزگار عشق»، آموزگار کتاب خدا، آموزگار مدرسه عشق راستین» در حوزه معنوی قرار گرفته‌اند. اگر آموزگار شهادت در حوزه اخلاق است، بی‌تردید آموزگار کتاب خدا هم در این حوزه قرار می‌گیرد؛ اگر آموزگار عشق راستین در حوزه معنوی قرار می‌گیرد، بی‌تردید آموزگار گلشن مهر و وفا در حوزه معنوی باید قرار بگیرد و ... به نظر عدم تعیین حدود هر حوزه، باعث این نوع آشفتگی است که البته در یک بررسی دقیق موارد اینچنین بسیار است.

۳. تعیین موضوع توصیف پس از نمونه در مدخل به نظر قابل تأمل است؛ به عنوان نمونه ذیل مدخل «آمیزه نور ناب مهدی» (!؟) این بیت و موضوع آن آمده است:

ای چشمه آفتاب مهدی

آمیزه نور ناب مهدی

م (= موضوع) گوهر ناب (ص ۲۲۹)

ذیل مدخل «دلارام» این بیت آمده است:

بی‌دلارام این جهان جز دام نیست

یک دل آرام در ایام نیست

م (= موضوع) مایه آرام دل (ص ۹۶)

در ذیل مدخل «کبوتر» این بیت آمده است:

آن بهار معطر کجا رفت

آسمان، آن کبوتر کجا رفت

م (= موضوع) پروازی (ص ۵۱۰)

معلوم نیست بیان این موضوع‌ها چه ثمری در این فرهنگ